

تجارت درون بخشی عمودی در تجارت ایران

دکتر سید جواد پورمقیم*

چکیده

هدف اصلی از این مقاله پاسخ به این سؤال می‌باشد که آیا می‌توان در تجارت خارجی ایران شواهدی بر تجارت درون بخشی یا دوطرفه یافت؟ و آیا این تجارت درون بخشی عمودی است یا افقی؟ آنگاه، آیا می‌توان این نتیجه را گرفت که درجه تخصصی صنعتی کشور آنقدر بالا است که می‌توانیم باتکا به آن، به سمت تجارت آزاد و کاهش تعرفه‌ها وییوستن به سازمان تجارت جهانی حرکت کنیم؟ و در نتیجه، تا چه اندازه می‌توانیم نسبت به افزایش صادرات کالاهای صنعتی غیر نفتی خوش بین باشیم؟

این مقاله با استفاده از این شاخص برای کالاهای صادراتی و وارداتی تا سه رقم از طبقه بندی استاندارد بین‌المللی کالا (SITC) در نظر دارد وجود و نوع تجارت درون بخشی را در ایران مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. در نتیجه رهنمودی برای اجرای سیاست‌های مناسب تر و صحیح تر صنعتی، تولیدی (اقتصادی)، بازرگانی، ارزی و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و ارزیابی دقیق الحاق (عضویت) به سازمان تجارت جهانی باشد.

حدود ۹۱ درصد از اقلام تجارت درون بخشی در سال‌های مورد بررسی (۱۳۷۵ و ۱۳۷۹) را تجارت درون بخشی عمودی تشکیل می‌دهد و معرف تنوع در تقاضا می‌باشد. پراکندگی شاخص درون بخشی، مشخص کننده آن است که عمدتاً صادرات کشور را محصولات کاربر (کمتر سرمایه بر) و با کیفیت پائین و مورد مصرف افراد با درآمد پائین در کشورهای در حال توسعه طرف مبادله ایران تشکیل می‌دهد و اگر این کالاها به کشورهای پیشرفته صادر می‌گردد مورد مصرف افراد با درآمد پائین در آن کشور می‌باشند.

*- دانشیار - عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء

از این رو، کشوری که اغلب صادراتش را کالاهای با کیفیت پایین تشکیل می‌دهد و خواستار مصرف محصولات با کیفیت بالاست در صورت نبود و کاهش تعرفه در صحنه تجارت جهانی به چه صورتی تجارت خود را اداره خواهد کرد خصوصاً کشوری که خواستار آن است که اتکا به درآمد نفتی را کاهش داده و از بین ببرد، باید در طرف صادرات تجارت جهانی آنقدر توانایی داشته باشد که نه تنها به این ایده و نظر دست یابد بلکه در صحنه تجارت جهانی آزاد بتواند روی پای خود بایستد.

واژه‌های کلیدی: طبقه بندی استاندارد بین‌المللی کالا - سازمان تجارت جهانی - صادرات کالاهای صنعتی

۱- مقدمه

هدف اصلی از این مقاله پاسخ به این سؤال می‌باشد که آیا می‌توان در تجارت خارجی ایران شواهدی بر تجارت درون‌بخشی یا دوطرفه یافت؟ و آیا این تجارت درون‌بخشی عمودی است یا افقی؟ آنگاه، آیا می‌توان این نتیجه را گرفت که درجه تخصصی صنعتی این کشور آنقدر بالا است که می‌توانیم با اتکا به آن به سمت تجارت آزاد و کاهش تعرفه‌ها و پیوستن به سازمان تجارت جهانی حرکت کنیم؟ و در نتیجه تا چه اندازه می‌توانیم نسبت به افزایش صادرات کالاهای صنعتی غیر نفتی خوش بین باشیم؟

بحث تجارت بین‌بخشی یا سنتی (تجارت یک طرفه) با مفروضات رقابت کامل، بازده نسبت به مقیاس ثابت و... همراه می‌باشد. اما در حال حاضر و در عمل این مفروضات مورد سؤال می‌باشد و عملاً در تجارت خارجی رقابت ناقص، بازده نسبت به مقیاس تولید افزایش‌دهنده، سلیقه‌های متفاوت و کالاهای ناهمگن و ...

وجود دارد. این خصوصیات و شرایط باعث می‌گردد که تجارت درون‌بخشی (تجارت دوطرفه) ایجاد گردد. عقیده بر این است که کشورهای پیشرفته درصد زیادی از تجارتشان درون‌بخشی یا دوطرفه می‌باشد، ولی در مقابل، کشورهای در حال توسعه عمدتاً دارای تجارت بین‌بخشی یا یکطرفه هستند. و شاخص IIT^۱ محاسبه شده در این کشورها مؤید این نکته می‌باشد که تجارت درون‌بخشی کمی دارند، یا اصولاً فاقد این نوع تجارت می‌باشند. این مقاله با استفاده از این شاخص برای کالاهای صادراتی و وارداتی تا سه رقم از طبقه بندی استاندارد بین‌المللی کالا (SITC) در نظر دارد وجود و نوع تجارت درون‌بخشی را در ایران مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. در نتیجه رهنمودی برای اجرای سیاست‌های مناسب‌تر و صحیح‌تر صنعتی، تولیدی (اقتصادی)، بازرگانی، ارزی، همکاری‌های منطقه‌ای و

1- Intra-Industry Trade

تجارت درون بخشی عمودی در تجارت ایران

شاخص و د) روش‌های اندازه‌گیری شاخص تجارت درون بخشی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف- مقدمه

در مطالعات تجارت درون بخشی دو مجموعه مد نظر در خصوص نوع تجارت درون بخشی وجود دارد؛ تجارت درون بخشی محصولات ناهمگن یا نامتجانس، و تجارت درون بخشی محصولات مشابه و یکسان.

الف- ۱: تجارت درون بخشی محصولات ناهمگن یا نامتجانس

این روش وجود و اهمیت تجارت درون بخشی، یا الگوهای رقابت انحصاری با بازده نسبت به مقیاس تولید افزایشده را همراه با ترجیحات همگن مصرف کننده در کشورهای طرف مبادله، توضیح می‌دهد. ترکیب رقابت انحصاری و تئوری نسبت عوامل تولید، باعث وجود همزمان تجارت درون بخشی و بین بخشی می‌گردد. به علاوه، با فرض اینکه موجودی عوامل تولید هر کشور تشابه داشته باشند، مقدار تجارت بین بخشی بیشتر و بنابراین تجارت درون بخشی کمتر می‌گردد. از این رو، این تئوری به رابطه منفی بین مزیت نسبی و تجارت درون بخشی معتقد می‌باشد (Helpman and Krugman, 1985, P.17).

بین‌المللی و ارزیابی دقیق الحاق به سازمان تجارت جهانی ارائه دهد.

در قسمت دوم این مقاله جنبه‌های نظری شاخص تجارت درون بخشی، و در قسمت سوم جنبه‌های عملی و محاسبات صورت گرفته در صادرات و واردات ایران تا سه رقم از طبقه‌بندی بین‌المللی کالا آورده می‌شود. بالاخره، در قسمت آخر نتایج و پیشنهادهای مقاله بیان می‌گردد.

۲- جنبه‌های نظری شاخص تجارت درون بخشی

باتوجه به فرضیه‌های متفاوت در خصوص تجارت درون بخشی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. به طور کلی، یک نظریه خاص در خصوص این نوع تجارت وجود ندارد. گروهی از نویسندگان به اندازه‌گیری شاخص تجارت درون بخشی، یعنی، IIT، تأکید داشته و گروه دیگر بر انتظارات نظری متفاوت در خصوص این شاخص با تأکید بر کالاهای ناهمگن تولید شده با بازده نسبت به مقیاس تولید افزایشده همت گماشته‌اند و بالاخره، گروه دیگر به استفاده از روش‌های اقتصاد سنجی برای تعیین کننده‌های تجربی این شاخص دست زده‌اند. از این رو، در این قسمت با عنوان جنبه‌های نظری تجارت درون بخشی چهار زیر مجموعه با عناوین؛ الف) مقدمه، ب) انتظارات نظری، ج) عوامل تعیین کننده

مصرف کننده، گونه بیشتر را بر گونه کمتر ترجیح می‌دهد، فرض ثابت بودن بازده نسبت به مقیاس زائد است و تعداد گونه‌ها به سمت بی‌نهایت میل می‌کند که در این صورت نمی‌توان تعداد آن را مشخص کرد. روش معمول در ادبیات اقتصادی آن است که صرفه‌جویی اقتصادی داخلی را در نظر می‌گیرند. وجود صرفه‌جویی مقیاس، دو کاربرد دارد. اولاً، واحدهای اقتصادی می‌خواهند از این صرفه‌جویی اقتصادی بهره‌گیرند و لذا سطح تولید هر بنگاه خیلی پائین نخواهد بود. ثانیاً، دو واحد اقتصادی یک گونه از محصول را تولید نمی‌کنند. به علاوه، صرفه‌جویی اقتصادی داخلی با رقابت کامل همخوانی ندارد و از این رو، همان طور که در بالا اشاره شد باید ساختار بازار را مطرح ساخت.

الف-۲: تجارت درون بخشی محصول مشابه و یکسان

مفهوم تجارت درون بخشی بدین معنی است که ساختار بازار مورد توجه انحصار چند جانبه می‌باشد. در انحصار چند جانبه راه‌حل‌های به کار برده شده برای تعیین مقدار و قیمت تعادلی به نحوی است که در شرایط کالای همگن و یکسان کاربرد دارد. البته راه‌حل‌های دیگری وجود دارد

از این نظر تجارت درون بخشی یا دوطرفه به صادرات و واردات همزمان محصولات (کالاها) با خصوصیتی مشترک که متعلق به یک صنعت می‌باشند اطلاق می‌شود، و این تفاوت مهم بین آنهاست که آنها را ناهمگن می‌سازد. نظر به اینکه بنا به تعریف در چارچوب تئوری‌های سنتی فرض می‌شود محصولات در هر صنعت همگن می‌باشند، نمی‌توان حالت تجارت محصولات ناهمگن را مورد بررسی قرار داد. با وجود رقابت کامل و حتی وجود هزینه‌های حمل و نقل، بی‌معنی است که کشوری همزمان یک کالا را صادر و وارد کند. بنابراین، باید شرایط جدید را با توجه به ساختار بازار که عموماً رقابت انحصاری و انحصار چند جانبه می‌باشد مورد توجه قرار داد. چنانچه ساختار بازار را در تجارت بر اساس رقابت انحصاری قرار دهیم، بحث تجارت درون بخشی محصولات ناهمگن یا نامتجانس مطرح می‌باشد. اگر انحصار چندجانبه مدنظر باشد تجارت درون بخشی در محصولات مشابه و یکسان مطرح می‌باشد که در قسمت دیگر مورد توجه قرار می‌دهیم (Helpman, 1981, P310).

وقتی که از ناهمگنی محصول صحبت می‌شود، یکی از مهمترین مسائلی که باید به آن توجه شود تعیین تعداد تعادلی تنوع یا گونه‌های کالا می‌باشد. نظر به اینکه

توجیه آن باتوجه به شرایط و مفروضات تئوری‌های مهم (چون تئوری هکچر-اولین) تجارت جاری، مشکل و یا غیر ممکن می‌باشد زیرا تئوری‌های موجود توجیه کننده الگوی تجارت یک طرفه یا تجارت بین بخشی می‌باشند. از بین کارهای انجام شده که خصوصیت صادرات و واردات همزمان یک کالا یا تجارت درون بخشی را مورد توجه قرار می‌دهد کار هلیمن و کروگمن را می‌توان به عنوان تئوری اقتصاد ادغام شده، نام برد. در این تئوری با مفروضات خاصی همان نتایج تئوری‌های سنتی حاصل می‌شود. ولی در واقع می‌توان از این تئوری به طور گسترده در توضیح تجارت درون بخشی و سایر خصوصیات تجارت بین‌الملل در عمل استفاده نمود (Helpman and Krugman, 1985, P.21).

بازده، نسبت به مقیاس متغیر یکی از خصوصیات تولید و تکنولوژی موجود در شرایط امروزی می‌باشد. بازده، نسبت به مقیاس رابطه تنگاتنگی با ساختار بازار دارد. در تئوری‌های سنتی فرض بازده نسبت به مقیاس ثابت به مفهوم داشتن بازاری با ساختار رقابتی است و براساس قضایای حاکم بر این نوع بازار، الگو و منافع حاصله از تجارت یک طرفه بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مقابل، وجود بازده نسبت به مقیاس تولید متغیر (افزاینده) به مفهوم ساختار بازار غیررقابتی و یا رقابت ناقص

که در شرایط کالای ناهمگن به تعیین مقدار و قیمت تعادلی می‌پردازد، ولی عمدتاً در ادبیات تجارت بین‌الملل، تجارت درون بخشی را باتوجه به راه‌حل‌های نوع اول، مثلاً؛ راه‌حل کورنو یا برتراند، در خصوص محصول یکسان و همگن توضیح می‌دهند.

ب- انتظارات نظری در خصوص تجارت درون بخشی و شاخص آن

تئوری‌های تجارت بین‌الملل باتوجه به مفروضات و خصوصیاتشان پاسخگوی خصوصیات تجارت جهانی در عمل نمی‌باشند. تئوری‌های تجارت بین‌الملل با مفروضاتی مانند رقابت کامل و بازده، نسبت به مقیاس تولید ثابت و مفروضات دیگر مثل دو کشور و دو کالا وعدم تحرک بین‌المللی عوامل، پایه گذاری شده بود. این تئوری‌ها باتوجه به تغییرات عمده در ساختار تولید و تکنولوژی و شواهد موجود در تحرک بین‌المللی عوامل تولید، دیگر پاسخگوی خصوصیات تجارت بین‌المللی در عمل نمی‌باشند.

با توجه به این مسأله مقالات و نظریه‌های متفاوتی برای توجیه الگوی تجارت بین‌الملل داده شد. خصوصاً یکی از بارزترین ویژگی‌های تجارت بین‌الملل در عمل صادرات و واردات همزمان یک کالا می‌باشد که

«کیفیت» مورد تقاضای گروه‌های مختلف در یک کشور و کشورهای مختلف از نظر درآمد ملی می‌باشد. بدین ترتیب باعث صادرات و واردات همزمان و یا تجارت درون بخشی می‌گردد. که در قسمت دیگر اثر این پدیده را در محاسبه شاخص IIT، باتوجه به نوع شاخص مورد بررسی قرار می‌دهیم (Kerstens and Tharakan, 1995, P.95).

برای روشن شدن تجارت درون بخشی فرض کنید که دو کشور، A و B، و دو کالا، X و Y، وجود دارد و کالای X دارای گونه‌های مختلف می‌باشد ولی Y همگن می‌باشد. الگوی کلی تجارت را می‌توانیم مانند شکل ۱ نشان دهیم. طول فلش‌ها معرف ارزش تجارت می‌باشد. کشور A یک صادرکننده خالص از کالای X است که دارای ساختار بازار رقابت انحصاری می‌باشد و واردکننده Y می‌باشد. الگوی تجارت بین بخشی^۱ را می‌توان جزو مزیت نسبی تجارت در نظر گرفت. بهر حال، تجارتی علاوه بر این الگوی تجارت بین بخشی وجود دارد چون که دو کشور A و B گونه‌های مختلفی از کالای X تولید می‌کنند. این تجارت دوطرفه کالای X جزو تجارت درون بخشی^۲ تجارت بین‌الملل محسوب می‌شود.

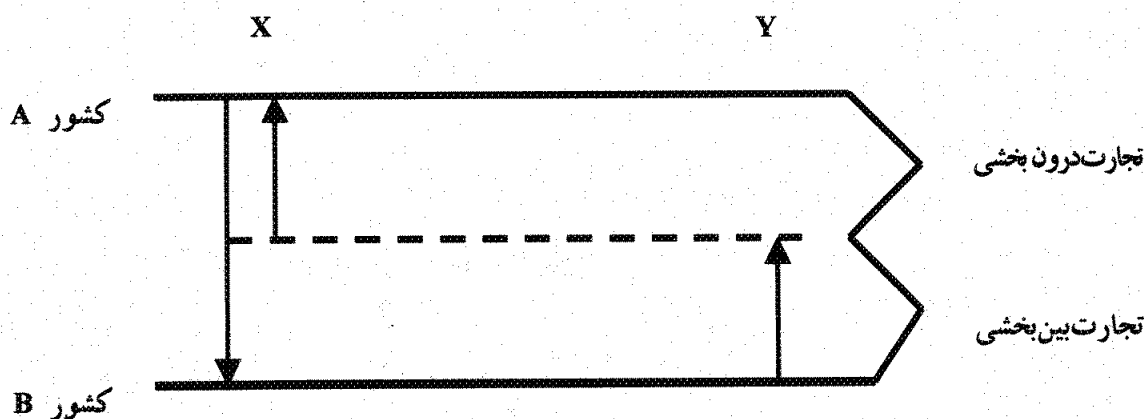
می‌باشد. در این نوع ساختار بازار، رفتارهای متفاوت تولیدکنندگان باتوجه به تعداد بنگاه‌ها و همگنی و یا ناهمگنی کالا طبقه‌بندی می‌شود. رقابت انحصاری شرایط بازاری است که در آن تعداد زیاد بنگاه با کالاهای ناهمگن وجود دارد و این نوع ساختار بازار بر الگوی تجارت اثر گذاشته و باعث تجارت دوطرفه و یا تجارت درون بخشی می‌شود.

ممکن است تعداد بنگاه‌ها محدود و کالا همگن و یا ناهمگن باشد که ساختار بازار انحصار چند جانبه را بنا می‌کند و باتوجه به روابط متقابل بین این بنگاه‌ها راه‌حل‌های متفاوتی از جمله راه‌حل کورنو و برتراند مورد استفاده قرار می‌گیرد و باتوجه به این راه‌حل‌ها تجارت جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اثرات خارجی نیز از جمله عوامل مؤثر در رفتار تولیدی بنگاه‌ها می‌باشد و از این رو بر صادرات و واردات کشور اثر می‌گذارد و مبنای تجارت درون بخشی می‌باشد.

سلیقه و الگوی مصرف تقاضا کنندگان نیز بر الگوی تجارت اثر دارد. درآمد سرانه و به‌طور کلی کشور از نوع پیشرفته و در حال توسعه با توجه به درآمدهای ملی متفاوت، متقاضی نوع کالاهایی می‌باشد که با سطح درآمد کشور و درآمد گروه‌های مختلف در این کشور می‌باشد. از این رو یک کالا با گونه‌های مختلف از نظر

1- interindustry

2- intraindustry



شکل ۱: تجارت درون و بین بخشی

را حفظ کنند- نتیجه بازده نسبت به مقیاس تولید افزایش می‌باشد. بدین ترتیب، به اختصار، می‌توان انتظارات نظری را درخصوص تجارت درون بخشی و شاخص آن به صورت زیر خلاصه نمود:

شکاف تکنولوژی: شکاف تکنولوژی می‌تواند باعث تجارت درون بخشی شود. تحقیق و توسعه باعث رشد سریع محصولاتی می‌گردد که از مقررات علائم و حق کپی پیروی کرده و محافظت می‌شوند و باعث تخصص در نقاط مختلف دنیا می‌شوند. به‌طورمشابه، وجود مقررات علائم تجاری و حق کپی یا به عبارت دیگر ناهمگنی شدید محصولات همراه با فرایند سیکل تولید کالا موجب برقراری تجارت درون بخشی کالاها حتی با عوامل تولید یکسان می‌گردد. تفاوت شدت کاربرد سرمایه انسانی همراه با توزیع درآمد و

دلیل عمده چنین تجارت درون بخشی، وجود صرفه جویی‌های اقتصادی می‌باشد. بدین معنی، اگر گونه‌های مختلف در شرایط بازده نسبت به مقیاس تولید ثابت تولید می‌شدند، این امکان بود که اقتصاد ادغام شده را با تقسیم تولید هر کدام از گونه‌ها بین کشورها دوباره ایجاد کرد و دیگر نیازی نبود که برای ارضای خواسته‌های مصرف کنندگان به تجارت درون‌بخشی دست زنیم. درواقع این بازده نسبت به مقیاس افزایش یافته است که مانع می‌شود هر کشوری تمام گونه‌ها را تولید کند. بنابراین می‌توانیم بین این دو شکل تجارت تمایز قائل بشویم: تجارت بین بخشی - که اجازه می‌دهد کشورها براساس موجودی عوامل تولید خود تجارت کنند- براساس مزیت نسبی صورت می‌گیرد. تجارت درون بخشی - که اجازه می‌دهد کشورها مقیاس تولید اقتصاد ادغام شده

کشورهای با درآمد و الگوی برخورداری از عوامل تولید مشابه برقراری می‌گردد.

بازده نسبت به مقیاس تولید متغیر (ساختار بازار)؛ بازده نسبت به مقیاس تولید متغیر یا به عبارت دیگر ساختار بازار یکی دیگر از دیدگاه‌های برقراری تجارت درون‌بخشی می‌باشد. بحث می‌شود که اگر دو کشور سلیقه و تکنولوژی یکسانی داشته باشند و به علاوه الگوی برخورداری از عوامل تولید آنها مشابه باشد، باین وجود، هنوز جایی برای بهره‌گیری متقابل وجود دارد و تجارت بین‌الملل دوطرفه در یک صنعت به علت آنکه واحدها در کشورهای مختلف محصولات ناهمگن تولید می‌کنند ممکن می‌شود. آنچه که باعث می‌شود یک کشور به تولید کامل محصولات در داخل اقدام نکند وجود هزینه‌های ثابت در تولید می‌باشد. به عبارت دیگر، بازده نسبت به مقیاس اساس برقراری تجارت، درون بخشی یا دوطرفه می‌باشد (Helpman, 1981, P.310).

درجه صنعتی شدن کشور؛ هرچه سهم تجارت درون‌بخشی در تجارت کشوری بیشتر باشد نشانه درجه بالاتر صنعتی بودن آن می‌باشد. مشاهده می‌شود که کشورهای پیشرفته دارای شاخص بالاتری - نزدیک به یک - هستند که این نشانه تجارت صنعتی این کشورها باتکنولوژی بالا می‌باشد. این کشورها می‌توانند تکنولوژی را بهتر جذب کنند زیرا این کشورها وارداتی دارند از همان بخشی که محصولاتش صادرات این کشور می‌باشد.

سلیقه‌های متفاوت بین کشورهای درگیر در تجارت ممکن است باعث برقراری تجارت درون بخشی یا دوطرفه گردد.

مطالعاتی در این مورد انجام شده است، (Davis, 1995, P.205)، که تجارت درون بخشی را براساس مزیت نسبی حاصل از اختلافات در تکنولوژی بین کشورها توضیح می‌دهد. به علاوه، مدل‌های جدیدی در زمینه رشد درون‌زا و ارتباط بین تجارت و پیشرفت تکنولوژی ارائه شده است که در آنها ایده اهمیت اساسی سرمایه انسانی و تکنولوژی را نه تنها برای قدرت تولیدی رشد در نظر می‌گیرد، بلکه به آن از نظر الگوی تخصص بین‌المللی و تجارت نیز اهمیت داده می‌شود.

صرفه‌جویی‌های اقتصادی: ناهمگنی کالاها و وجود سطوح درآمد مشابه به تنهایی نمی‌تواند منشأ برقراری تجارت درون بخشی شود، بلکه وجود این ناهمگنی کالاها همراه با صرفه‌جویی‌های اقتصادی است که باعث برقراری این نوع تجارت می‌گردد. در حالی که سطوح درآمد مشابه و بالا موجب تقاضا برای کالاهای متنوع و زیادی در دو کشور می‌گردد، ولی هر کشور قادر به تولید زیرمجموعه‌ای از محصولات در هر گروه یا صنعت می‌گردد، اگر صرفه‌جویی‌های اقتصادی مدنظر گرفته شود. در چنین شرایطی، تخصص درون بخشی و تجارت بین

به طور مثال: لانکستر^۱ نشان داد که شاخص IIT در صنایع با صرفه جویی های مقیاس بالاتر می باشد. همین طور مدل های تولید و سیکل تولید بر نقش بالقوه صرفه جویی های مقیاس تأکید دارد. هر چه کشور بزرگتر باشد، فرصت های صرفه جویی های مقیاس داخلی بزرگتر و این شاخص گستره بالاتری دارد. گرچه مقیاس ملی از مقیاس دریک صنعت خاص جدا می باشد ولی، این مقیاس را به عنوان تولید ناخالص ملی در نظر می گیرند.

هزینه های مبادلات : این شاخص با متوسط فاصله جغرافیایی از کشور طرف مبادله همبستگی منفی دارد.

آزادی تجارت: این شاخص با موقعیت تجاری کشور به طور مثبتی رابطه دارد، مثلاً فالوی^۲ نشان داد که کشورهای با موانع تجاری کمتر، سطح IIT بالاتری دارند. برای موقعیت تجاری (TO) تقریبی به صورت پسماندهای رگرسیون تجارت سرانه بر درآمد سرانه و جمعیت تعریف می شود (Balassa and Bauwens, 1987, P.930).

عدم موازنه تجاری : شاخص تجارت درون بخشی، مورد استفاده گروبل ولوید، با افزایش اندازه عدم موازنه تجاری کاهش می یابد. بنابراین، عدم موازنه تجاری هر کشور را برای کنترل هر روشی در بر آورد تعیین کننده های این شاخص در نظر می گیرند (Stone and Lee, 1995, P. 72).

ج- عوامل تعیین کننده شاخص تجارت درون بخشی IIT

در ادبیات مربوط به مطالعات عملی تجارت درون بخشی در خصوص عوامل تعیین کننده شاخص تجارت درون بخشی از مفاهیم اصطلاحات دیگری استفاده می شود که در زیر به آنها اشاره می گردد. تعاریف و مفاهیم به کاررفته در مطالعات عملی تجارت درون بخشی را می توان با توجه به عوامل مؤثر در طرف تقاضای کشور و یا با توجه به عوامل مؤثر در طرف عرضه مورد توجه قرار داد. البته در مطالعات و روش های اقتصادسنجی مربوط به تعیین شاخص تجارت درون بخشی، مجموعه ای از عوامل طرف تقاضا و عرضه و عوامل دیگر غیر اقتصادی را مطرح می سازند که تعدادی از آنها به شرح زیر می باشد. البته هر کدام از مطالعات و کارهای اقتصادسنجی انجام شده در خصوص تعداد عوامل تعیین کننده شاخص تجارت درون بخشی با توجه به نوع و هدف مقاله و مطالعه عوامل اقتصادی و حتی غیر اقتصادی متفاوت می باشند و مسلماً عواملی اهمیت خواهند داشت که پشتوانه نظری داشته باشند، که در بالا به آن اشاره شد.

سلیقه و درآمد سرانه: این شاخص به طور مثبتی به درآمد سرانه کشور بستگی دارد. این متغیر به صورت تولید ناخالص داخلی (ملی) سرانه اندازه گیری می شود.

صرفه جویی های مقیاس و بازار داخلی: این شاخص به طور مثبتی با اندازه کشور همبستگی دارد

1- Lancaster, 1980, P.153

2- Falvey, 1981, P.498

که X و M به ترتیب کل صادرات و واردات برحسب ارزش یک کشور خاص و X_i و M_i صادرات و واردات طبقه بندی می‌باشند که به صورت بالا تعریف شده‌اند. این نسبت می‌تواند بین صفر (۰) و دو (۲) باشد. شاخص صفر معرف تشابه کامل صادرات و واردات می‌باشد و به دلیل این واقعیت است که هر کشوری هر طبقه از کالا را درست متناسب با کل صادراتش صادر می‌کند و مانند واردات همان طبقه، در وارداتش می‌باشد بدین معنی که تجارت، درون بخشی یا دوطرفه می‌باشد. در مقابل، شاخص ۲ معرف تجارت بین بخشی یا تجارت یک طرفه می‌باشد که هیچ طبقه از کالاها در همان سال به وسیله کشور مورد نظر صادر و وارد نمی‌شود. به علاوه، مایکلی با محاسبه شاخص عدم تشابه صادرات و واردات در ۵ طبقه از کالاها برای ۳۶ کشور ملاحظه کرده است که به طور کلی ترکیب کالای صادرات و واردات کشورهای با درآمد بالا تشابه قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهد در حالی که برعکس آن برای کشورهای در حال توسعه صادق می‌باشد. در ضمن بالاسا (۱۹۶۳) نیز مطالعه‌ای انجام داد که براساس آن ملاحظه کرد که اکثر افزایش تجارت در کالاهای ساخته شده در کشورهای اتحادیه اروپا درون بخشی است تا بین بخشی.

د- روش‌های اندازه‌گیری شاخص تجارت درون بخشی III

د-۱: شاخص وردورن (Verdoorn-۱۹۶۰)

نسبتی که وردورن برای تجارت درون بخشی استفاده می‌کند، به صورت زیر تعریف می‌کند:

$$A_i = \frac{X_i^{HB}}{X_i^{BH}} \quad (1)$$

که X_i^{HB} صادرات محصول i از کشور هلند به بلژیک - لوگزامبورک و X_i^{BH} صادرات همان محصول از بلژیک - لوگزامبورک به هلند می‌باشد. این نسبت می‌تواند بین مقادیر صفر تا بی‌نهایت باشد. حرکت این نسبت به سمت واحد (یک) در یک صنعت خاص و در یک دوره مشخص معرف تمایل به طرف تجارت درون بخشی یا دوطرفه می‌باشد.

د-۲: شاخص مایکلی (Michaely-۱۹۶۲)

مایکلی ابتدا ۱۵۰ کالا را با کدهای سه رقمی استاندارد طبقه بندی بین‌المللی تجارت (sitc) - طبقه بندی بین‌المللی کالا) به ۵ طبقه به صورت زیر تقسیم می‌کند: (۱) غذا، نوشابه و دخانیات، (۲) مواد اولیه، (۳) سوخت، (۴) شیمیایی و نفت، (۵) کالاهای ساخته شده، آن وقت «شاخص عدم تشابه» را به صورت زیر تعریف می‌کند:

$$D = \sum_{i=1}^5 \left| \frac{X_i}{X} - \frac{M_i}{M} \right| \quad (2)$$

$$INTE_i = |X_i - M_i|$$

که X_i کل صادرات محصول i و M_i کل واردات محصول i می باشد.

بدیهی است که تجارت درون بخشی (IIT) برابر تمام تجارت منهای تجارت بین بخشی خواهد بود. یعنی:

$$IIT_i = (X_i + M_i) - |X_i - M_i|$$

با نرمال کردن رابطه فوق برای بدست آوردن سهم تجارت درون بخشی برای هر کالا رابطه زیر را خواهیم داشت:

$$IIT_i = \frac{[(X_i + M_i) - |X_i - M_i|]}{(X_i + M_i)}$$

از این رو اگر تجارت درون بخشی وجود نداشته باشد، یکی از X_i یا M_i صفر خواهد بود، به طوری که شاخص IIT برابر صفر خواهد بود. به طور مشابه اگر تمام تجارت درون بخشی باشد، یعنی $X_i = M_i$ ، و شاخص IIT برابر یک خواهد بود.

باید برای بررسی کالاهای صنعتی که مورد نظر می باشد شاخص فوق را به صورت کل درآوریم. معمول آن است که یک رابطه کل برای طبقه بندی بین المللی صنایع و تجارت

د-۳: شاخص گروبل و لوید (Grubel and Lloyd-1975)

گسترده ترین رابطه به کار رفته برای شاخص، تجارت درون بخشی یا تجارت دوطرفه می باشد و به صورت زیر تعریف و محاسبه می شود:

$$IIT_i = \frac{(X_i + M_i) - |X_i - M_i|}{(X_i + M_i)} \quad (3)$$

که i بخش یا صنعت و X صادرات و M واردات را مشخص می کند. این شاخص سهم تجارت درون بخشی را در بخش i اندازه گیری می کند. بدین معنی که اگر این کشور فقط واردات و یا فقط صادرات این کالا را داشته باشد شاخص تجارت درون بخشی صفر می باشد و برعکس اگر تمام تجارت درون بخشی باشد یعنی $X_i = M_i$ باشد شاخص IIT ارزش یک را خواهد داشت.

البته این شاخص فقط برای یک بخش می باشد و اگر بخش های دیگر را در نظر بگیریم می توانیم شاخص فوق را به صورت جمع و کل بنویسیم. رابطه زیر این شاخص را برای بخش های $i = 1, \dots, n$ نشان می دهد.

به طور کلی، از روابط زیر برای محاسبه شاخص گروبل و لوید استفاده می شود:

تجارت بین بخشی (INTE)، یعنی تجارت در محصولات مختلف،

محصولی مشابه، با تفاوت در کیفیت می باشد. بدین معنی که کشوری صادرکننده محصولی با یک کیفیت و واردکننده همان محصول با کیفیت دیگر می باشد. که این نوع تجارت درون بخشی به تجارت درون بخشی عمودی معروف می باشد.

در طرف عرضه، تمایز خصوصیت متفاوت هر نوع نسبت سرمایه به نیروی کار به کار رفته در تولید آن کالا می باشد. لازمه تولید محصولات با کیفیت بالا استفاده از نسبت سرمایه به نیروی کار بالاتر می باشد. بدین معنی که یک کالا که با نسبت سرمایه به کار بالاتر تهیه می شود، نسبت به همان کالا که با نسبت سرمایه به کار پائین تر تولید شده کیفیت بهتری دارد. کشوری که نسبتاً نیروی کار فراوان دارد بیشتر کالایی صادر می کند که کاربر ولی با کیفیت پائین می باشد. این صادرات مورد استفاده افراد کم درآمد در کشور طرف مقابل یا واردکننده می باشد و این کشور همان کالا را که سرمایه بر و با کیفیت بالا می باشد و مورد استفاده افراد با درآمد بالای این کشور می باشد، وارد می کند.

طرف تقاضا، کالاها به وسیله کیفیت تصویری مشخص می شود. گرچه تمام مصرف کنندگان ترجیحات یکسان دارند، تقاضای هر فرد از یک نوع محصول ناهمگن، به وسیله درآمد فرد مشخص می شود. با فرض

یعنی SITC سه رقمی، به دست آورد. این مطلب رادرقسمت دیگر توضیح می دهیم و اما رابطه کل به صورت زیر می باشد:

$$AIIT = \frac{\sum_{i=1}^n (X_i + M_i) - \sum_{i=1}^n |X_i - M_i|}{\sum_{i=1}^n (X_i + M_i)} \quad (۴)$$

در این مقاله از شاخص (IIT)، تجارت درون بخشی، گروبل ولوید استفاده می شود. برای توضیح دادن تجارت درون بخشی لازم است که بین تجارت درون بخشی افقی و تجارت درون بخشی عمودی تفاوت قائل بشویم. تجارت درون بخشی افقی مبادله بین المللی کالاهای مشابه ولی ناهمگن می باشد، در مقابل، تجارت درون بخشی عمودی مبادله بین المللی کالاهای مشابه ولی با کیفیت متفاوت می باشد. از این دو نوع شاخص در قسمت جنبه های عملی مقاله استفاده می کنیم و در این قسمت به توضیح و روشن شدن آنها می پردازیم.

ناهمگنی عمودی محصول به معنی آن است که در تجارت درون بخشی، کالاهای مشابه (در یک طبقه از طبقه بندی استاندارد بین المللی در تجارت) با کیفیت متفاوت مبادله می شوند و به عبارت دیگر، تجارت درون بخشی عمودی مبادله بین المللی

محصول در سطح پائین تری قیمت گذاری می‌گردد.

مطالب فوق ریشه‌ها و نظرات مختلف در خصوص کیفیت را مشخص می‌کنند. باید اضافه کرد که این تفاسیر در خصوص کشورهای مختلف پیشرفته و در حال توسعه متفاوت می‌باشد و تحت تأثیر درآمد ملی کل و سرانه آنها و نوع تبلیغات در آن کشورها و تشویق و ترغیب استفاده از محصولات داخلی (یا خارجی)، تجارت درون بخشی (عمودی) را پایه گذاری می‌کند که در زیر شاخص مربوط به آن مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد.

راه‌های مختلف برای محاسبه واحد ارزش وجود دارد. ممکن است واحد ارزش بر حسب واحد (تعداد) باشد و یا ممکن است واحد ارزش بر حسب تن باشد، که در این تحقیق از واحد ارزش بر حسب تن استفاده شده است. البته فرض می‌کنیم که هیچ‌گونه همبستگی بین کیفیت و وزن وجود ندارد.

نسبت بین واحد ارزش صادرات و واردات به عنوان شاخصی از ناهمگنی محصول در آن جریان خاص می‌باشد. اگر نسبت از یک محدوده $(1-\alpha)$ خارج باشد، آن وقت گفته می‌شود که این محصول به طور عمودی ناهمگن است. مقدار اختیاری در مطالعات مختلف بین $0/15$ تا $0/25$

اینکه درآمد کل به طور یکسان توزیع نشده است، یک تقاضای کل برای یک مجموعه محصولات ناهمگن می‌باشد.

در این مقاله از «واحد ارزش unit values» به عنوان شاخص کیفیت استفاده می‌کنیم. یک روش معمول آن است که به طور ضمنی فرض می‌کند قیمت (یا واحد ارزش) یک محصول معرف کیفیت آن محصول است با این فرض که مصرف‌کنندگان اطلاعات کامل دارند و نشان داده شده است که همبستگی correlation مثبتی بین قیمت و کیفیت وجود دارد، و ناهمگنی محصولات به طور عمودی ارتباط بیشتری از سایر محصولات نشان می‌دهد (Caves and Greene, 1996, P. 45). آنها نشان داده‌اند که میان همبستگی بین قیمت و کیفیت $0/38$ می‌باشد. به هر حال، برای بسیاری از محصولات این ضریب حدود یک می‌باشد و محصولات ناهمگن عمودی بالاترین تعیین کننده مثبت عمده این ضریب همبستگی می‌باشد.

غالباً ادعا می‌شود که قیمت گذاری بالاتر محصولی باعث می‌گردد که مصرف‌کننده تصور کند که این کالا کیفیت بالاتری دارد و باعث می‌گردد که فروش و سود بیشتر از حالتی باشد که این

$$1 - \alpha \leq \frac{VU_{ijt}^X}{VU_{ijt}^M} \leq 1 + \alpha \quad (6)$$

شاخص تجارت درون بخشی عمودی در نظر گرفته می‌شود اگر نسبت واحد ارزش صادرات به واردات خارج از این محدوده باشد داریم:

$$\frac{VU_{ijt}^X}{VU_{ijt}^M} < 1 - \alpha \quad \text{یا} \quad \frac{VU_{ijt}^X}{VU_{ijt}^M} > 1 + \alpha \quad (7)$$

درواقع شاخص افقی تجارت درون بخشی را به عنوان تنوع در سلیقه یا الگوی مصرف یا طرف تقاضا در تجارت تفسیر می‌کنیم که دلیل آن سطح درآمد و توزیع درآمد در کشور مورد نظر می‌شود، که در مورد آن قبلاً بحث کردیم. در مقابل شاخص عمودی تجارت درون بخشی معرف تخصص در تولید محصولات با کیفیت‌های مختلف می‌باشد که به شدت کاربرد عوامل تولید یا نسبت عوامل تولید متفاوت یا اطلاعات تکنولوژی نیاز دارد. وقتی که شاخص نسبی واحد ارزش کمتر از (بیشتر از) حد ۰/۷۵ و ۱/۲۵ باشد در این حالت صادرات ایران به خارج

می‌باشد (Greenaway, et al, 1994, P.95) و (Greenaway and Mimer, 1983, P.905).

برای اندازه‌گیری شاخص IIT به طور عمودی و افقی از نسبت واحد ارزش در هر تن صادرات به واردات استفاده می‌کنیم که در یک سطح و یک طبقه از استاندارد بین‌المللی تجارت (sitc) قرار دارند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد از واحد ارزش به عنوان یک تقریب برای قیمت استفاده می‌کنیم و با فرض اینکه قیمت‌ها کاملاً منعکس‌کننده کیفیت کالا و محصول می‌باشد، شاخص IIT را می‌توانیم به دو قسمت تقسیم کنیم:

$$A_{it} = HA_{it} + VA_{it} \quad (5)$$

که در آن A_{it} شاخص کل تجارت درون بخشی و HA_{it} شاخص تجارت درون بخشی افقی و VA_{it} شاخص تجارت درون بخشی عمودی می‌باشد.

تجارت درون بخشی افقی عبارت است از واردات و صادرات همزمان یک قلم از کالا در قسمت سه رقم استاندارد طبقه بندی تجارت کالا که α در محدوده به اضافه و منهای ۲۵ درصد باشد.

سایر هزینه‌های حمل وجود دارد که احتمالاً برای یک واحد ارزش نسبی بین ۱۵٪ تا ۲۵٪ می‌باشد. ثانیاً این عدد در مطالعات عملی قبلی نیز وجود دارد. در این مقاله ۲۵٪ را در محاسبات منظور کرده‌ایم.

۱- این محدوده واحد ارزش را می‌توان اختیاری انتخاب کرد. دلیل انتخاب این معیار را به دو دلیل می‌توان بیان کرد: اولاً؛ به نظر می‌رسد که عوامل دیگری غیر از کیفیت مانند حمل و نقل و

است. آنگاه در ردیف سه رقم و به ترتیب ۰۰۱، ۰۱۱، ۰۱۲، و... ۰۹۹ مشخص شده است. در این تحقیق از این ردیف برای طبقات ده گانه برای دو سال ۱۳۷۵ و ۱۳۷۹ استفاده شده است. این آمار باتوجه به آمار موجود در اداره خدمات ماشینی گمرک براساس طبقه موجود و تبدیل آن به طبقه بندی بین المللی کالا (sitc) محاسبه شده است و آنگاه باتوجه به شاخص گروبل ولوید محاسبات لازم انجام شده است.

جدول ۱ نسبت واحد ارزش صادرات به واردات را برای طبقه صفر - سه رقم - نشان می دهد. چنانچه ملاحظه شد این نسبت اگر بزرگتر از $1/25$ و کوچکتر از $0/75$ باشد، معرف یک تجارت درون بخشی عمودی می باشد. همانطور که در بالا اشاره شد تجارت درون بخشی عمودی تجارت کالا مشابه با کیفیت متفاوت می باشد و آنهایی که بزرگتر از $1/25$ می باشند نشان دهنده کیفیت بالا و در نتیجه قیمت بالا می باشند و نسب هایی که کوچکتر از $0/75$ باشند معرف کیفیت پایین و قیمت کمتر و مورد مصرف افراد کم درآمد جامعه می باشند. اگر این نسبت بین $1/25$ و $0/75$ باشد معرف تجارت درون بخشی افقی؛ یعنی کالای مشابه ولی ناهمگن می باشد.

(به صورت کل) از کیفیت پایین (بالا) برخوردار می باشد.

۳- جنبه های عملی تجارت درون بخشی

برای پاسخ به این سؤال که در تجارت خارجی ایران، شواهد تجارت درون بخشی (دوطرفه) عمودی وجود دارد، از اطلاعات و آمار طبقه بندی بین المللی کالا - تجدید نظر شده ۳ استفاده می کنیم. براساس طبقه بندی بین المللی کالا، کالاهای در تجارت جهانی به ده گروه (از صفر تا ۹) طبقه بندی شده اند که هر طبقه به نوبه خود به زیرمجموعه و هر زیر مجموعه نیز به زیر مجموعه دیگر تقسیم شده است. در این مقاله از این طبقه بندی تا سه رقم استفاده شده است. مثلاً، در این طبقه بندی اولین طبقه با صفر شروع شده و به غذا و حیوانات زنده مربوط می شود. زیرمجموعه به ترتیب با دو صفر، صفریک، صفر دو، صفر سه و... صفر نه تقسیم بندی شده

۲- اداره آمار سازمان ملل ویرایش سوم « SITC- Rev. sitc - 3 » را تدوین و پس از اعمال اصلاحاتی که توسط هیأت آماری سازمان ملل در بیست و سومین جلسه خود مورخ ماه فوریه ۱۹۸۵ در آن انجام شد، برای تصویب نهایی برای شورای اجتماعی - اقتصادی سازمان ملل ارسال نمود، که در تاریخ ۲۸ ماه مه ۱۹۸۵ به تصویب این شورا نیز رسید.

سال	سال	
۱۳۷۵	۱۳۷۹	جدول ۱: پراکنندگی شاخص درون بخشی در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۹
(درصد)	(درصد)	
۷۸/۰۷	۷۷/۹۹	تعداد اقلامی که شاخص تجارت درون بخشی آنها کمتر از ۰/۷۵ می‌باشد.
۱۱/۲۳	۱۲/۹۲	تعداد اقلامی که شاخص تجارت درون بخشی آنها بیشتر از ۱/۲۵ می‌باشد
۱۰/۷۰	۹/۰۹	تعداد اقلامی که شاخص تجارت درون بخشی آنها کمتر از ۱/۲۵ و بیشتر از ۰/۷۵ می‌باشد
۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	جمع

مأخذ: محاسبه شده براساس آمار صادرات و واردات به دست آمده از دفتر خدمات ماشینی گمرک جمهوری اسلامی ایران

جدول ۲: شاخص تجارت درون بخشی قسمت‌های ده گانه طبقه بندی بین‌المللی کالا SITC

کد سه رقمی sitc	شاخص تجارت درون بخشی قسمت‌های (sitc) (۹۹۹-۰۰۰)
۰۰۱-۰۹۸	۰/۵۵
۱۱۱-۱۲۲	۰/۳۹
۲۱۱-۲۹۹	۰/۴۲
۳۲۱-۳۵۱	۰/۸۶
۴۱۱-۴۳۱	۰/۰۹
۵۱۱-۵۹۸	۰/۴۰
۶۱۱-۶۹۹	۰/۴۲
۷۱۱-۷۹۳	۰/۰۴
۸۱۱-۸۹۹	۰/۶۵

مأخذ: محاسبه شده براساس آمار صادرات و واردات به دست آمده از دفتر خدمات ماشینی گمرک جمهوری اسلامی ایران.

در تقاضا می‌باشد. همان طور که قبلاً اشاره شد سطح درآمد و توزیع درآمد مشخصه تنوع در تقاضا می‌باشد و باتوجه به این درصدها می‌توان نتیجه گرفت که درصد عمده از اقلام در تجارت خارجی در سال ۱۳۷۹، معرف تجارت درون بخشی عمودی می‌باشند که افراد با درآمد پائین ۸۰ درصد آن را تقاضا دارند. ۱۰ درصد آن بالاتر از ۱/۲۵ می‌باشد و معرف کیفیت بالا با قیمت بالا است که تقاضای افراد با درآمد بالا را تشکیل می‌دهد و بالاخره حدود ۹ درصد از اقلام تجارت درون بخشی در سال ۱۳۷۹ و ۱۱ درصد در سال ۱۳۷۵ دارای شاخصی بین ۰/۷۵ و ۱/۲۵ می‌باشند که معرف ناهمگنی کالاها بوده و تجارت درون بخشی افقی را تشکیل می‌دهند. جدول شماره ۱ پراکندگی شاخص درون بخشی را نشان می‌دهد و مشخص کننده آن است که عمدتاً صادرات کشور را محصولات کاربر و با کیفیت پایین و مورد مصرف افراد با درآمد پایین در کشورهای در حال توسعه طرف مبادله ایران تشکیل می‌دهد و اگر این کالاها به کشورهای پیشرفته صادر می‌گردد مورد مصرف افراد با درآمد پائین آن کشور قرار می‌گیرند.

۴- نتایج و پیشنهادها

امروزه، تجارت درون بخشی، یعنی صادرات و واردات همزمان در یک بخش یا صنعت - تجارت دوطرفه - سهم قابل توجهی از تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد. مطالعات زیادی در

چنانچه ملاحظه می‌شود این شاخص‌های تجارت درون بخشی به استثنای قسمت کد سه رقمی ۳ کوچکتر از ۰/۷۵ می‌باشند و این نشان‌دهنده آن است که به‌طور کلی، صادرات کشور از «کیفیت پایین» برخوردار می‌باشد. شاخص تجارت درون بخشی کد سه رقمی طبقات ۴۳۱-۴۱۱ و ۷۹۳-۷۱۱ تقریباً نزدیک به صفر می‌باشد و به معنی آن است که با وجود آنکه هر کالا در این قسمت از شاخص تجارت درون بخشی نسبتاً مناسبی برخوردار می‌باشد ولی به‌طور کلی در این طبقات، تجارت درون بخشی خیلی ضعیفی وجود دارد و نه تنها کالاهای این طبقات از کیفیت پایین برخوردار می‌باشند بلکه از دید عرضه نیز نسبت نیروی کار بالاتری دارند و به اصطلاح کاربر می‌باشند.

در تجارت خارجی در سال ۱۳۷۹، حدود ۸۰ درصد از کل اقلامی که شاخص تجارت درون بخشی دارند به شاخصی مربوط می‌شوند که مقدار آن کمتر از ۰/۷۵ می‌باشد. بدین معنی که حدود ۸۰ درصد از تعداد اقلام تجارت درون بخشی را صادرات با کیفیت پائین تشکیل می‌دهد، و حدود ۱۳ درصد از اقلام تجارت درون بخشی دارند که شاخص آنها بزرگتر از ۱/۲۵ می‌باشد، بدین معنی که صادرات با کیفیت بالا را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر حدود ۹۱ درصد از اقلام تجارت درون بخشی در سال‌های مورد بررسی، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۹، را تجارت درون بخشی عمودی تشکیل می‌دهد که معرف تنوع

(کشورهای پیشرفته) تولید و صادرات گونه‌های باکیفیت بالا دارند درحالی‌که در جنوب (کشورهای درحال توسعه) تولید و صادرات گونه‌های باکیفیت پایین دارند، و وقتی که برای گونه‌هایی که در داخل تولید نمی‌شوند تقاضایی وجود داشته باشد، تجارت درون‌بخشی وجود دارد. کشورهای شمال (کشورهای پیشرفته با ماهیت افقی دارند درحالی‌که تجارت درون‌بخشی کشورهای شمال و جنوب (کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه) یک ماهیت عمودی دارد. بدین معنی که عمدتاً صادرات کشورهای درحال توسعه را کالاهای کاربر و با کیفیت پایین مورد مصرف افراد با درآمد پایین تشکیل می‌دهد.

این مقاله، تلاشی برای نشان دادن موقعیت تجارت درون‌بخشی عمودی کشور است. براساس آمار به دست آمده از اداره خدمات گمرک برای دو سال ۱۳۷۵ و ۱۳۷۹ شاخص درون‌بخشی محاسبه و خصوصاً شاخص تجارت درون‌بخشی عمودی واقعی باتوجه به نسبت واحد ارزش صادرات به واردات دریک محدوده $(1 \pm \alpha)$ مشخص و در جدول‌های مربوطه درج شد. وقتی که شاخص نسبی واحد ارزش کمتر از (بیشتر از) حد 0.75 و 1.25 باشد دراین صورت صادرات ایران به خارج (به‌صورت کل) از کیفیت پایین (بالا) برخوردار می‌باشد. در واقع، بدین ترتیب

خصوص تجارت درون‌بخشی کشورهای پیشرفته و مطالعات کمی در مورد این نوع تجارت در کشورهای در حال توسعه انجام شده است و اکثر آنها معرف آن است که اولاً، هرچقدر اقتصاد پیشرفته‌تر و توسعه یافته‌تر باشد، دارای ساختار تجاری تخصصی‌تر است و از این رو کشورهای صنعتی، سطوح شاخص IIT بزرگتری نسبت به کشورهای درحال توسعه دارند. ثانیاً، سطح بالاتر IIT منعکس‌کننده توانایی بیشتر برای رقابت دریک شرایط تجاری قابل تغییر می‌باشد. ضمناً اعتقاد براین است که دراین کشورها - کشورهای پیشرفته - آزاد سازی تجارت بیشتر باعث تجارت درون‌بخشی می‌شود تا تجارت بین‌بخشی و ثالثاً، تجارت درون‌بخشی به صورت افقی و عمودی می‌باشد. درواقع شاخص افقی تجارت درون‌بخشی را به عنوان تنوع در سلیقه یا الگوی مصرف یا طرف تقاضا درتجارت تفسیر می‌کنیم که به علت سطح درآمد و توزیع درآمد درکشور موردنظر است که در مورد آن قبلاً بحث کردیم. در مقابل شاخص عمودی تجارت درون‌بخشی معرف تخصص درتولید محصولات باکیفیت‌های مختلف می‌باشد که به شدت کاربرد عوامل تولید یا نسبت عوامل تولید متفاوت یا اطلاعات تکنولوژی نیاز دارد. رابعاً، درمطالعه‌ای که درخصوص تجارت درون‌بخشی شمال و جنوب (کشورهای پیشرفته و کشورهای درحال توسعه) شده است، مشخص گردیده که در شمال

درآمد نفتی را کاهش داده و از بین ببرد باید در طرف صادرات تجارت جهانی آنقدر توانایی داشته باشد که نه تنها به این ایده و نظر دست یابد بلکه در صحنه تجارت جهانی آزاد بتواند روی پای خود بایستد. البته پیوستن و عدم پیوستن به سازمان تجارت جهانی هزینه دارد که باید انتخابی صورت گیرد و در واقع سؤال آن است که کدام هزینه کمتری را برای ما در برخواهد داشت. خصوصاً اگر بتوانیم با برنامه ریزی صحیح خود را برای صحنه تجارت آزاد جهانی آماده سازیم، مسلماً هزینه کمتری را خواهیم پرداخت. به علاوه، استفاده کنندگان صادرات با کیفیت پایین را کشورهای واردکننده با درآمد پایین تشکیل می‌دهند. و مسلماً پیوستن ما به سازمان تجارت جهانی کمکی است به ثبات و تداوم وضع و موقعیت ماتریس تجارت جهانی که حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد آن بین خود کشورهای پیشرفته می‌باشد و عمدتاً صادرکننده محصولات با کیفیت بالا (سرمایه‌بر و با تکنولوژی بالا) می‌باشند و در مقابل کشورهای در حال توسعه (همان طور که در مورد کشور خودمان در این مقاله مشخص شد) عمدتاً محصولات با کیفیت پایین (کاربر و با تکنولوژی پایین تر) - تجارت درون بخشی عمودی - را مبادله می‌کنند. که البته در موازنه تجاری جهانی منظوری غیر از این نمی‌باشد.

متوجه خواهیم شد که ایران در تجارت، در تولید محصولات با کیفیت پائین یا بالا دارد و از این رو می‌توانیم استنباط کنیم که در صورت آزادی تجارت و برداشتن و کاهش و حذف تعرفه (پیوستن به سازمان تجارت جهانی) چه موقعیتی خواهیم داشت. در قسمت ۳ مشخص شد که صادرات ایران را محصولات با کیفیت پایین (حدود ۹۰ درصد نسبت ارزش واحد صادرات و واردات ایران کمتر از ۰/۷۵ می‌باشد) تشکیل می‌دهد و واردات را محصولات با کیفیت بالا (عمدتاً کشورهای پیشرفته اروپایی - بازار مشترک) تشکیل می‌دهند.

باتوجه به تمایل شدید افراد جامعه به کالاهای با کیفیت بالا، مسلماً مسأله پیوستن به سازمان تجارت جهانی به تعمق و تفکر بیشتری احتیاج دارد. بدین معنی که در ماتریس تجارت جهانی ما از طرفی صادرکننده محصولات با کیفیت پایین و از طرف دیگر واردکننده محصولات با کیفیت بالا هستیم که خود بررسی خاص خود را طلب می‌کند بدین معنی که کشوری که اغلب صادراتش را کالاهای با کیفیت پایین تشکیل می‌دهد و خواستار مصرف محصولات با کیفیت بالاست در صورت نبود و کاهش تعرفه در صحنه تجارت جهانی به چه صورتی تجارت خود را اداره خواهد کرد خصوصاً کشوری که خواستار آن است که اتکا به

منابع

الف - فارسی

۱- وزارت امور اقتصادی و دارایی؛ گمرک جمهوری اسلامی ایران؛ دفتر آمار و خدمات ماشینی؛ آمار بازرگانی خارجی (صادرات و واردات) سال‌های متفاوت.

ب- منابع انگلیسی

- 2- Balassa, B. (1963), "European Integration: Problems and Issues", *The American Economic Review*, Vol 56, pp175-184.
- 3- Balassa, B. and L. Bauwens (1987), "Intra-Industry Specialization in a Multi-Country and Multi-Industry Framework", *Economic Journal*, Vol. 97, pp. 923-939.
- 4- Bergstrand, J.H., (1983), "Measurement and Determinants of Intra-Industry International Trade", in P.K.M. Tharakan, ed., *Intra-Industry Trade: Empirical and Methodological Aspects*, North-Holland, Amsterdam.
- 5- Brander, J.A., (1981) "Intra-Industry Trade in Identical Commodities", *Journal of International Economics*, II.
- 6- Clark, D.P. (1993), "Recent Determinants of Intra-Industry Trade" ~ *Weltwirtschaftliches Archly*, Vol. 129, pp. 332-344.
- 7- Caves, R., and D. Greene (1996) "Brands' quality levels, prices, and advertising outlays: Empirical evidence on signals and information costs", *International Journal of industrial Organization* 14: 29-52.
- 8- Davis, D. R. (1995). "Intra-industry trade: A Heckscher-Ohlin-Ricardo approach." *Journal of International Economics* 39(3-4): 201-226.
- 9- Falvey, R. (1981), "Commercial Policy and Intra-Industry Trade" ~ *Journal of International Economics*, Vol. 11, pp. 495-511.
- 10- Falvey, D. and H. Kierzkowski (1987), "Product Quality, Intra-Industry Trade and (Im)Perfect Competition". In H. Kierzkowski (Ed.), *Protection and Competition in International Trade: Essays in Honor of WM. Corden*. Oxford.
- 11- Flam, H. and E. Helpman (1987), "Vertical Product Differentiation and North-South Trade", *American Economic Review*, Vol. 77, pp. 810-22.

- 12- Greenaway, D., and C. Mimer (1983) "On the Measurement of Intra-Industry Trade", *the Economic Journal* 93:900-908.
- 13- Greenaway, O., R. Hine and C. Mimer (1994), "Country-Specific Factors and the Pattern of Horizontal and Vertical Intra-Industry Trade in the UK", *Weltwirtschaftliches Archiv*, Vol. 130, pp. 77-100.
- 14- Hakura, D. and Jaimotte F.,(1999) " The Role of Inter and Intra-Industry Trade in Technology Diffusion, *IMF Working Papers*.
- 15- Havrylyshyn, O, and Civan,E.,(1983) " Intra- Industry Trade and the Stage of Development :A Regression Analysis of Industrial and Developing Countries", *In Intra-Industry Trade :Empirical &Methodological Aspects,(editor, Tharakan), North-Holland*.
- 16- Havrylyshyn,O.,and Kunzel, P.,(1997) " Intra-Industry Trade of Arab Countries: An Indicator of Potential Competitiveness", *IMF Working paper*.
- 17- Helpman, E. (1981), "International Trade in the Presence of Product Differentiation, Economies of Scale and Monopolistic Competition", *Journal of International Economics*, Vol. 11, PP. 305-40.
- 18- Helpman, E. and P.R., Krugman, (1985), *Market Structure and Foreign Trade: Increasing Returns, Imperfect Competition and the International Economy*. The MIT Press, Cambridge, Mass.
- 19- Kerstens, B., and M. Tharakan (1995) "Does North-South Horizontal intra-Industry Trade Really Exist?: An Analysis of the Toy Industry", *Weltwirtschaftliches Archiv* 131:86-105.
- 20- Lancaster. K.J. (1980). "Intra-Industry Trade under Perfect Monopolistic Competition." *Journal of International Economics*, Vol. 10. pp. 151-175.
- 21- Lundberg,L.,(1988) " The Role of Comparative Costs for Determining Inter – and Intra – Industry Trade with Developing Countries", *European Economic Review* 32.
- 22- Nilsson, L. (1999) "Two-Way Trade between Unequal Partners: EU and the Developing Countries", *Weltwirtschaftliches Archiv* 135:102-127.

- 23- Stone, J. A., and Hyun-Hoon Lee , (1995)“ Determinants of Intra-Industry Trade: A Longitudinal, Cross-Country Analysis” , *Weltwirtschaftliches Archive*, Vol.131, No1-2, PP 67-85.
- 24- Tharakan, P. K. M.,(1983)“ The Economics of Intra- Industry Trade : A Survey”, In *Intra-Industry Trade :Empirical &Methodological Aspects*,(editor, Tharakan), North-Holland.
- 25- Vona, S. (1991), “On the Measurement of Intra-Industry Trade: Some Further Thoughts”, *Weltwirtschaftliches Archive*, Vol. 127, pp. 678-700.
- 26- Wolter, F., (1980)“ Determinants of Intra- Industry Trade : Among Countries and Cross Industries” , *Weltwirtschaftliches Archive*, Vol. 116.